

باب گشوده بحث درباره سیاست ملی کتاب کودک

آنچه مسلم است و اتفاقاً پژوهش‌ها هم نشان می‌دهد، این است که بسیاری از موانع پیشرفت کتاب کودک در بخش دولتی است. البته، نباید در این نکته چنان اغراق شود که علت‌های دیگر، یک‌سر به فراموشی سپرده شود. بی‌شک، بخشی از موانع - چه دولتی و چه غیردولتی - ساختاری است و حل آن به زمان‌های طولانی‌تری نیاز دارد. البته، این بدین معنی نیست که از شناختن آن‌ها غفلت شود، اما بخشی از مشکلات هم موضعی است و اگر اراده‌ای معطوف به حل آن باشد، در کوتاه‌مدت می‌توان به حل آن امید بست.

به هر حال، وضعیت فعلی نشر کتاب کودک و نوجوان، وضعیت مطلوبی نیست. پژوهشی که در این خصوص در انجمن انجام شده، نشان می‌دهد که سازمان نشر کتاب کودک و نوجوان در ایران دچار بحران است، اما عبور از این بحران با مسائلی پیچیده روبه‌روست. از یک سو بخشی از علل و عوامل بحران، در نهادهای دولتی است و از سوی دیگر، مجری هر سیاستی همان دولت است و فائق آمدن بر این وضعیت تناقض‌آمیز

انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، از دو سال پیش، پروژه‌ای را به منظور تدوین سیاست‌های دهه ۸۰ در حوزه کتاب کودک شروع کرده است و هم اکنون که این شماره از پژوهشنامه، پیش روی شماست، چند صیاحی از پایان این پروژه می‌گذرد.

این پروژه را می‌توان در چارچوب تدوین سیاست‌های فرهنگی، تبیین و بررسی کرد. نخستین پرسش در این باره، حامل دغدغه‌ای بسیار مهم است: آیا تدوین سیاست فرهنگی، مستلزم به کار بستن روش‌هایی اقتدارگرایانه دولت محور و از بالا به پایین است؟ این پرسش هنگامی مطرح می‌شود که همه می‌دانیم سرگذشت و سرنوشت کتاب کودک در ایران، به دولت وابسته است و کلیم دولت چنان گسترده پهن شده که اگر بتوان جای پای برای بخش خصوصی یافت جایی بسیار کوچک است.

در چنین فضایی، طبیعی است که این نگرانی بروز کند، اما آیا در تدوین سیاست‌های فرهنگی، راه‌های دیگری قابل تصور نیست؟

اما دیدگاه سومی نیز وجود دارد؛ دیدگاهی که با تأکید بر ضرورت و اهمیت فعالیت‌های فردی و گروهی کوچک و غیردولتی، پیشنهاد دادن به دولت و تلاش برای قبولاندن این پیشنهادات را هم دنبال می‌کند. شاید انجمن نویسندگان کودک و نوجوان را بتوان طرفدار دیدگاه سوم نامید.

در واقع، اقدام انجمن را برای تدوین سیاست‌های دهه ۸۰ می‌توان به نوعی، تلاش برای فائق آمدن بر پارادوکس یاد شده در سطور پیشین خواند.

متن ارائه شده توسط انجمن را می‌توان آغازی برای گفت‌وگو در این حوزه خواند. باب این بحث گشوده شده است و پژوهشنامه از ادامه این بحث استقبال می‌کند.

در این شماره نیز کوشیده‌ایم که پرسش‌های پیرامون سیاست‌گذاری و تدوین سیاست ملی در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان را جدی بگیریم و اغلب مطالب این شماره یا طرح‌های پرسش‌هایی در این باب است یا پاسخی به این پرسش‌ها.

دبیر تحریریه

(پسارادوکسیکال)، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

گروهی در برخورد با این موضوع، بی‌اعتنایی به دولت و فعالیت‌های فردی یا گروهی کوچک را توصیه می‌کنند؛ چنان که در سال‌های اخیر گروه‌ها و افرادی از این دست کارهایی بزرگ کرده‌اند و اگر بخواهیم کارستان‌های ادبیات کودک این چند سال را جست‌وجو کنیم، بی‌شک آن را باید در بخش غیردولتی سراغ بگیریم.

از سوی دیگر، دیدگاهی وجود دارد که برای دولت چنان نقشی قائل است که نه تنها بدون حضور دولت، تدوین و اجرای هیچ سیاستی را ممکن نمی‌داند، بلکه حضور تام و تمام دولت در این حوزه و حوزه‌های دیگر فرهنگ را ضرورتی انکارناپذیر می‌شمارد و تعیین بایدها و نبایدهای این حوزه را نیز وظیفه دولت می‌داند؛ تا جایی که گاهی به دولت انتقاد می‌کند که چرا به برخی کتاب‌ها - مثلاً کتاب‌های بازاری - مجوز چاپ می‌دهد و اگر بحرانی برای کتاب کودک قائل است، از این زاویه است.